

رمان تاریخی

ریچارد کارول^۱

ترجمه و تنظیم: صادق علاماتی

مقدمه

داستان تاریخی، با تعریفی، ترکیبی از تقابل های ظاهری است که در ذهن بسیاری از مورخان سنتی، قابل تلفیق نمی باشد. با این حال، نگرش در روشی که ما از تاریخ دریافت می کنیم در حال تغییر است و رمان تاریخی در خط مقدم، دخیل کردن گذشته تا جایی که به زندگی عموم مردم مربوط است.

[و نیز] وجهه ی عمومی ژانر بدان معنی است که داستان تاریخی ادامه عرصه ای از تناقض و جدال در زمینه ادبیات و تاریخ نگاری بوده است.^۲ ماریادل بوکاردی،^۳ ادعا می کند که شهرت رمان تاریخی "نیاز به یک رویکرد علمی به ژانر" را به پیش می برد. در همان زمان، خوزه دی پیرولا،^۴ در توسیع بعدی نظریه ی رمان تاریخی خود، استدلال می کند که منتقدان در درگیر شدن با ماهیت ژانر نادیده گرفته شده اند، و آن را در حوزه پژوهش محدود، دشوار کرده است.^۵

استدلال فراگیری که پدید آمده این است که اصالت، انتقادی به فرم سنتی رمان تاریخی است که صحت جزئیات تاریخی مهم می باشد، گرچه نویسنده می بایست انتظارات خوانندگان این ژانر را برآورده کند و به موجب آن، میثاق مولف / خواننده در نظر گرفته شود. تعبیر رابطه بین تاریخ و داستان را در ادبیات روایی تجزیه و تحلیل می کند خصوصاً، در رمان تاریخی، با تمرکز بر عدم قطعیت انتقادی که هم در مطالعات تاریخ نگارانه و هم در داستان تاریخی پا برجاست. دوگانگی واقعیت / داستان در مطالعات داستان تاریخی، و نقش این دو تقابل با فرض این که در تصویر سازی تاریخ نقش آفرینی می کنند را به بحث می گذارد. به

^۱ - Richard Carroll، جویشرگر.

^۲ - Ryle 155

^۳ - Mariadele Boccardi

^۴ - (2)

^۵ - José de Piérola

^۶ - (152)

ویژه، چه چیزی دقیقاً رمان تاریخی است؟ نظریه پردازان و منتقدان به وفور در این مورد نوشته‌هایی دارند با وجود این، یک مسئله بحث‌انگیز باقی می‌ماند که با هیچ تعریف روشنی نزدیکی ندارد. [شاید] به قدر کفایت ماهیت داستان‌های تاریخی مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. تعبیر با گسترش و تصریح تعریف یک رمان تاریخی به بحث کمک می‌کند.

به طریقی، رمان تاریخی تلفیقی از دو فرم است، تاریخ و داستان است. با وجود این، با این ترکیب یک پارادوکس پیش می‌آید: طبقه‌بندی نهایی یک رمان همان‌گونه که داستان‌های تاریخی بسته به درجه صحت محتوای تاریخی در بافت داستانی دارد. بحث از رمان تاریخی به مثابه ی ژانر، مهم است، زیرا عَرَف التزام نویسندگی به گذشته را بنیان می‌نهد، عرفی که در شماری از جهات متفاوت از رویکرد مورخ به سابقه تاریخی است. باز هم، سوالاتی در مورد اخلاق مجوزات شعری و ابداع در داستان‌های تاریخی بوجود می‌آیند. چقدر می‌توانم بدون تحریف حقایق تاریخی داستان پردازی کنم، همان‌گونه که آنها را ورای شناخت می‌دانیم؟ منظور از صحت اصالت چیست؟ ارزش رمان تاریخی در تصویر سازی گذشته چیست؟ پاسخ به این سوالات، در تعبیرات مباحث اصلی منتقدان از خوزه ماریا هردیا^۱ در قرن نوزدهم تا به گئورگ لوکاج^۲ و معاصرانی مانند هایدن وایت^۳، جروم دی گروت^۴ و ریچارد اسلوتکین^۵ مورد بحث‌اند.

اما خوانندگان چه چیزی می‌خواهند؟ چه انتظاری دارند وقتی که آنها رمان تاریخی را بر می‌گزینند؟ با این چیزی که در ذهن هست، برایم مهم بود آن چه رمان تاریخی و وضعیت بحث‌های جاری پیرامون ژانر تعریف می‌شوند را بفهمم. چگونه واقعیت و داستان می‌توان با هم به کار روند تا روایت موثقی در هم تنیده شود.

نویسندگان داستان تاریخی با انتظارات خواننده مواجه‌اند که نوشته‌ها درست و دقیق باشد. همان‌طور که دونالی^۶ براین^۶ می‌گوید: "اگر نوشته‌ای ناخواسته اشتباه‌آمیزی داشته باشد، غیر منطقی، غلط، و یا به لحاظ

Jose Maria Heredia – ۱

Georg Lukács – ۲

Hayden White – ۳

Jerome de Groot – ۴

Richard Slotkin – ۵

Donna Lee Brien – ۶

تاریخی یا واقعی نادرست باشد، حتی اکثر نوشته های تخیلی، خوانندگان را خیلی زود، نه به طور کامل، به تشخیص آن وا خواهند داشت.^۱ اگر نویسنده ای به نوشته های خود پایبند نباشد، خوانندگان نا امید خواهند شد. همان گونه که براین می گوید، "فزوننی" دانش نیازمند نوشتن کتاب است که "با خواندن به دست می آید."^۲

رمان تاریخی می تواند به مثابه ی یک مجموعه رمان در گذشته تعریف شود، این تعریف محدود به حوزه ی آن است. جُوآن براون^۳ می گوید: "به هر حال نویسنده برمی گزیند تا داده ها را بین واقعیت و داستان متعادل کند، دقت یک الزام اولیه تمام داستان های تاریخی را بر جای باقی می گذارد." هنگامی که تاریخ نامعین است، رمان تاریخی می باید به عنوان یک تجسم معتبر از گذشته نگریسته شود؛ یعنی، علی رغم بوالهوسی از سوابق تاریخی، جزئیات تاریخی باید دقیق باشد. علاوه بر این، اصالت می تواند به عنوان یک ارزش ادبی نگریسته شود تا آن که بتواند همه جنبه های رمان تاریخی، در این جا، با تمرکز خاصی بر شخصیت ها، جایگاه، سنن و مراسم بومی، اسباب زیبایی، و اسناد و منابع را بکار ببرد.

رمان تاریخی^۴

انتقاد زیادی از رمان تاریخی در مورد توانایی آن، نسبت به تغییر واقعیت شده است، و در واقع کسانی که حمله به شکل و صورت آن می کنند اغلب در ارتباط با توانایی ذاتی برای تشویق مخاطب به وجود آگاهانه اطلاعات، غلط و گمراه کننده است (جروم دی گروت).^۵

تاریخ و داستان اغلب دو یار دیرین حمام و گرمابه اند و در جایی نیست که بیشتر مناقشات در باب نقش داستان های تاریخی بوده باشد که با آوردن تاریخ [در عرصه ادبیات] به ایفای نقش عامه مردم بپردازد. برخی رمان های تاریخی از یک نوع تفاوت صحت اصالت ارزشی مورخان بهره ورنند. بدان معنا که، یک اصالت تعامل مؤلف/ خواننده را با گذشته کلاً به جای دقت واقعی و اقتدار متن خاصی درگیر می کند. به هر حال، رمان تاریخی سنتی، به دنبال تصویر سازی ضبط تاریخی شناخته شده ای است که با جزئیات

^۱ - 55 "Creative"

^۲ - 55 "Creative"

^۳ - Joanne Brown

^۴ - Historical Novel

^۵ - Jerome de Groot — *The Historical Novel* 2009

دقیق به گونه ای که انتظارات خواننده را برآورده کند. این نوشتار به بررسی مفهوم صحت اصالت در زمینه یک اثر داستانی در مجموعه ای از گذشته و تجزیه و تحلیل چگونگی مذاقه انتقادی آن که می بایست به فرم و صورت سنتی رمان تاریخی بپردازد. رمان تاریخی و آن چه خوانندگان از ژانر آن انتظار دارند را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد، و عناصر متنوع داستان تاریخی توامان آورده می شود تا تعریف ژانر را صورت بندی کند. نگرش نویسنده نسبت به صحت اصالت و اسباب مورد استفاده در داستان که بدان دست یافته را مورد بحث قرار می دهد.

تباین واقعیت / داستان^۱

هایدن وایت^۲، یک منتقد پیشرو در زمینه تاریخ نگاری، ادعا می کند که همزمان با افزایش محبوبیت داستان های تاریخی و به صورت رمان در قرن نوزدهم، مورخان شناخت زمینه های آن را به مثابه ی یک "علم" جدی (۱۴۹) دنبال کرده اند. مورخان بر این باور بودند که مطالعات علمی، تاریخی می بایست به قطع روابط با هر شکلی از نوشتن هنری یا «ادبیات تخیلی»،^۳ به ویژه رمان عاشقانه بیانجامد (همان منبع). وایت استدلال می کند که برخی مورخان، تاریخ را به مثابه ی روایت نوشته اند در حالی که از کاربرد تخیل و اختراع و ابداع به دور نبودند به گونه ای که تاریخ به حوزه ی «داستان» تبعید شد.^۴

دیگر منتقدان در اوایل قرن نوزدهم نیز ارزش داستان های تاریخی را زیر سوال بردند. شاعر کوبایی خوزه ماریا هرديا بر این باور بود که تاریخ مقابل و منزله از داستان تخیلی بود و رمان تاریخی نسبت به سطح داستان، متهم به تنزل تاریخ بود.^۵ در سال ۱۸۵۰، الساندرو مانزونی^۶، هر چند تا حدی موافق با هرديا بود، استدلال کرد که داستان ارزش در "حقیقت شاعرانه" خود را داراست که به مثابه ی "حقیقت مثبت" تاریخ^۶ در تخالف بود. او در نهایت تصمیم گرفت که [بگوید] رمان تاریخی از طریق مخلوط کردن عناصر ناسازگار تاریخ و داستان ناتوان است، که می تواند به فریب^۷ منجر شود. نقد رمان نویسان توسط مورخان

^۱ - The fact/ Fiction Dichotomy

^۲ - Hayden White

^۳ - 149-150

^۴ - qtd. in de Piérola 152

^۵ - Alessandro Manzoni

^۶ - 153

^۷ - همان منبع

معاصر بحثی است که باید بدان پرداخته شود.

بیش از صد سال پس از هردیا، گئورگ لوکاچ، در رمان تاریخی خود اشاراتی دارد که برای اولین بار در سال ۱۹۳۷ منتشر شده بود، بیشتر در رابطه با جنبه های اجتماعی رمان تاریخی و مستعد به ترسیم زندگی قهرمانان آن شد. او می گفت که این شکل از نوشتن، از طریق توجه به جزئیات حوادث فرعی، بهتر آن بود که در برجسته کردن جنبه های اجتماعی تا ضبط لحظات بیشتر تاریخ می بود. لوکاچ بحث می کند که رمان تاریخی باید بر «بیداری شاعرانه» کسانی که در حوادث بزرگ تاریخی شرکت داشته اند تا خود رویدادها^۱ تمرکز کنند. خواننده باید قادر به تجربه دست اول باشد "انگیزه های انسانی و اجتماعی که بشر را به فکر کردن رهنمون می کرد، احساس و عمل، درست وقتی که آنها در واقعیت تاریخی نبودند." از طریق داستان های تاریخی، ما نیز قادر به کسب درک بیشتری از یک دوره خاص می شویم و چرا مردم عمل می کنند هم چنان که انجام داده اند.

در مقابل این منتقدان پیشین، مورخ ریچارد اسلوتکین، نویسنده سه کتاب در باب تاریخ و سه رمان، بحث می کند که در "داستان برای اهداف تاریخ"^۲ آن که رمان تاریخی می تواند گذشته را به همان صحت تاریخ نقل کند زیرا باید روش های پژوهش مشابه و تفسیر انتقادی از داده ها را شامل شود.^۳ با پی گیری "حقیقت شاعرانه"، رمان در تلاش است که حسی را خلق کند که از گذشته بر آمده است، بدون این که لزوماً پیوندی به تمام جزئیات واقعی و با محو حقایق نه ضرورت داستان داشته باشد.^۴ کنت دن هیر^۵ و الکساندرا فیدیک^۶ فراتر رفتند، با پیشنهاد این که، "داستان های تاریخی ممکن است یک نمایش قابل قبول

Georg Lukács - ^۱

42 - ^۲

همان منبع - ^۳

Richard Slotkin - ^۴

2005 - ^۵

225 - ^۶

اسلوتکین ۲۲۵ - ^۷

Kent den Heyer - ^۸

Alexandra Fidyk - ^۹

تری از گذشته را ارائه دهند تا آن منابعی که نوعاً به مثابه واقعی تر پذیرفته شده اند.^۱ به عبارت دیگر، ممکن است تجربه تاریخی از طریق داستان در روال معتبری بوده باشد.

در نظر هایدن وایت، تفاوت میان گفتمان واقعی و داستانی آن است که یکی با آن چه "واقعی" و از سوی دیگر با آن چه "حقیقی" است به کار گرفته شود. آسناد تاریخی ممکن است یک پایه و اساس "گزارش واقعی از جهان" در یک زمان و مکان خاصی را فراهم آورد؛ اما آنها محدود به ظرفیت خود هستند که به مثابه ی یک شالوده برای کشف همه جنبه های "واقعیت" عمل می کند. بنا بر سخن وایت، مابقی اصل، پس از آن که گفتیم آن چه می توانیم درستی آن را بیان کنیم، هر چیزی و هیچ چیزی نخواهد بود که ما بتوانیم در مورد آن تصویری داشته باشیم. اصل، مرکب از هر چیزی است که می تواند صادقانه در مورد فعلیت آن بوده باشد، به علاوه، هر چیزی که بتواند صادقانه گفته شود در باره آن چه که احتمالاً می تواند باشد.^۲

نکته اصلی وایت آن است که هم تاریخ و هم داستان، تفسیری از طبیعت است. مورخان، به سهم خود، تفسیر شواهد ارائه شده از نظر ذهنی را دارند؛ این بدان معنی است که نمی تواند بی طرفانه بوده باشد. به گفته بورلی سوث گیت، «تاریخ واقعی به مثابه ی گزینش ذهنی، تفسیر ذهنی، ساختار و شاکله ی ذهنی در یک روایت ظهور می کند.»^۳ داستان و تاریخ توأمان روایت هستند و طبق گفته کیت جنکینز^۴ هر کسی که روایتی می نویسد جعل داستان تخیلی است،^۵ "رمان نویس و مورخ معنا را از طریق تفسیر خود ضبط شناخته شده (Brown) می یابد تا تولید داستان کند که بر ساخته و پذیرفته شده باشند.

قصد مورخ متفاوت از رمان نویس است. مورخان زمینه بیشتری را در رویکردشان به سابقه تاریخی مصروف می دارند همان گونه که آن را با جزئیات مطلوب بررسی می کنند با تلاشی که پیچیدگی های آن را فهم کنند، و سپس با استفاده از گریز و پی نوشت هایی به توضیح و کمک به اقتدار یافته های خود می کنند. رمان نویس، به عبارتی، از تخیل خود به خلق شخصیت و طرح می پردازد و می تواند رویدادهای

144 - ^۱

147 - ^۲

147 - ^۳

Beverley Southgate - ^۴

45 - ^۵

Keith Jenkins - ^۶

qtd. in Southgate, italics in original 32. - ^۷

مهم را به کناری نهد. او به صحت اصالت از طریق شرح مفصلی از لوازم، آداب و رسوم، فرهنگ، عمارت، گفتار و لباس^۱ دست می یابد. با وجود این، یکی از وظایف اصلی هم تاریخ و هم داستان تاریخی آن است که می بایست گذشته را به خواننده در زمان حال حاضر نشان دهد. این "اشتراک در ارتباط با سازه معنایی از طریق روایت" یک مولفه اصلی در آمیخته تنگاتنگ علی الدوام دیرین بین داستان و تاریخ است.^۲

به هر حال، بر خلاف تاریخ، رمان تاریخی مخلوطی از داستان و حقیقت است و "ترکیبی از دو ژانر" می باشد.^۳ بنابراین، این در آمیختگی متعارض مفروض "حقیقت" و "داستان" یک دو راهی برای نظریه پرداز ایجاد می کند زیرا داستان تاریخی لزوماً نمی تواند مورد خوانش قرار بگیرد همان طور که به هر دو مقوله تعلق پیدا می کند، از این روی، نیاز به یک تعریف روشن از ژانر است که بیشتر باید بدان پرداخته شود. نگرش به خطوط ترسیمی بین داستان و تاریخ در حال تغییرند همان گونه که فزونی شماری از منتقدان که در پی کشف تعامل دو ژانر می باشند. مورخی به نام جان دموس^۴ استدلال می کند که با گذشت زمان، این تمایز "اندک حدی به نظر می رسد تا یک مرز بندی گسترده شگفت انگیز و موضع نگاری متنوع."^۵ در حال حاضر وقتی برخی مورخان به بررسی عرصه گسترده ای تمایل نشان می دهند جایی که دو ژانر با هم همپوشانی دارند، این رویکرد یک دغدغه برای سنت گرایان به ارمغان می آورد.

آشکار است که ما یک چشم انداز از رمان تاریخی را به دست می آوریم که هم مولفه تاریخی و هم مولفه داستانی خود را باز می شناسد. بدان معنی که خواننده رمان تاریخی باید بعضی از "توانش تاریخی" را داشته باشد و آن که عمل خوانش، هرمنوتیکی، بسته "به مشارکت فعال خواننده می باشد"، در غیر این صورت، رمان تاریخی نیست.^۶ با خروج از تعریف کلی رمان تاریخی، یعنی، هر مجموعه رمان در زمان گذشته است. دی پیرولا^۷ بحث می کند که این یک فرایند است و باید به مثابه ی "یک وجه نوشتاری که با خلق و حفظ یک تنش نا متغیر بین تاریخ و داستان فهم شود، تا حقیقت بالقوه ای را بیافریند. این به نوبه

۱ - Brown

۲ - Southgate 19

۳ - de Piérola 152

۴ - John Demos

۵ - 329

۶ - de Piérola 155

۷ - de Piérola

خود در خواننده یک هشیاری و آگاهی تاریخ نگارانه را بوجود می آورد، که سابقه ی تاریخی قابل اصلاح، جزئی و در نهایت مکتوب در زمان حال حاضر می باشد.

اما چه چیزی دقیقاً "توانش تاریخی" یا "آگاهی تاریخ نگارانه است؟" برای نمونه تن بدون سر لویی شانزدهم.^۱ آیا ما در باب این جسد می گوئیم، خوب، یک جسد یک جسد است و اجساد زنده نیستند؟ نه، ما نمی گوئیم. می پرسیم: چرا این جسد آمده به یک جسد؟ پاسخ: به طور تصادفی، و یا به دلیل یک روز خاص در پاریس هنگامی که یک گیوتین خاصی فرود آمد، اتفاقاً لویی شانزدهم گردن خود را در این راه گذاشت. شما به آن خواهید خندید، و این ذهن کنجکاو، روح جستجوگر - آگاهی تاریخی شما را ثابت می کند.^۲ در هر صورت، آگاهی تاریخی بیش از صرف یک آگاهی از گذشته است. خواننده به یک رمان تاریخی با ایده ها و پیش تصورات نزدیک می شود که بازتابی از فرهنگ و تجربیات زندگی او هستند. منتقدان قرن نوزدهم به ارزش داستان های تاریخی شک داشتند در حالی که تاریخ در صدد شناخت به عنوان یک "علم" با خود فاصلگی از هر نوع نوشتار هنری بود. منتقدان معاصر بحث کرده اند که رمان تاریخی می تواند گذشته را با دقت بیشتری و یا حتی در یک رویه قابل قبول تری تاریخ را بازگو کند. در حالی که گفتمان واقعی به دنبال آن چه "حقیقی" است و نوشتار داستانی رسیدگی به آن چه که "واقعی"، است، چه شکل روایت تفسیری و چه ذاتاً ذهنی [بودن آن]. داستان تاریخی ترکیبی از تنش بین دو ژانر خلاق آگاهی تاریخی در خواننده است. برای درک بهتر ماهیت رمان تاریخی ما نیاز به بررسی ویژگی هایی داریم که آن را از دیگر فرم های داستان جدا کند.

تعریف ژانر^۳

دو مولفه اساسی است که منتقدان برای تعریف رمان تاریخی در نظر می گیرند عبارتند از: اول، مجموعه گذشته است و دوم، صحت شرح جزئیات تاریخی دوره خاص می باشد. منتقدان در این بحث اتفاق نظر ندارند که تا چه حد در زمان گذشته یک رمان به مثابه ی داستان تاریخی می بایست به کیفیت پردازد.^۴

^۱ - 157

^۲ - Louis XVI

^۳ - 107

^۴ - Defining the Genre

^۵ - Davenport 300

داستان تاریخی، از طریق اندیشه خود تاریخ از دیدگاه والای حضور نویسنده (نویسنده می داند که چگونه حوادث در گذشته تکامل یافته اند و تاثیر بر زمان حال گذاشته است)، در طبیعت دوگانه است. این چشم انداز گذشته نگر و یا دانش از گذشته، نویسنده را هم به وضوح جزئیات و هم به شکل ابهام آلود چگونگی روند آثار تاریخی رهنمون می کند. بر طبق گفته بوکاردی، " این دو جنبه گذشته نگری آشکار می کند که دوگانگی چیست، و یا حتی پارادوکسیکال، طبیعت داستان تاریخی، با توجه به محدودیت خود-ارجاعی، دست یابی آن به باز نمایی آن شیء، از یک سوی، و از سوی دیگر، بهره گیری از مظاهر صوری از علم مطلق است."^۱

رمان تاریخی شامل طیف وسیعی از نوشتار داستانی است. دی گروت بیان می کند که این ژانر مرکب از تنوع حالت های رمز آلود از جمله حماسه، داستان عاشقانه، ادبیات و ... می باشد.^۲ دیدگاه دی گروت آن است که مهم نیست چگونه یک داستان تا زمانی مدید بیان شده است، تعریف کلی داستان تاریخی در نظر است.

در بررسی رمان تاریخی، نقطه نظر خواننده مهم است. مجموعه رمان در گذشته می تواند در فرم های مختلف ظاهر شوند اما خوانندگان رمان های تاریخی همه به دنبال شمار چیزهایی هستند. اولین و مهمترین آن، آنها می خواهند یک داستان گیرا که علاقه شان را تا به پایان محفوظ بدارد. هم چنین خوانندگان ممکن است امیدوار باشند که چیزی در باره گذشته فرا گیرند. به گفته جیمز تام،^۳ " به طور منظم خوانندگان داستان های تاریخی مطالعه کنند تا بیاموزند، و آنها دانش تاریخی را از داستان به داستان به دست می آورند."^۴ دیگران ممکن است از شناخت منابع تاریخی لذت ببرند، چیزی که فرم های دیگر داستان نمی تواند فراهم آورد. (پی بادی). استعداد آموزشی داستان تاریخی، آن خوانندگانی را جذب می کند که به دنبال آشنا شدن با دوره ای و یا تجربه خارج از مکان خود جایی که آنها در فعالیت ها و افکار کاراکترهای در داستان را لذت بخش یابند. به گفته جانسون، "خوانندگان می خواهند به سرچشمه امید و آرزوهای

^۱ - 6

^۲ - Historical Novel 2

^۳ - James Thom

^۴ - 32

افرادی که مدت ها پیش می زیستند آگاهی یابند، شگفتی در نحوه تجارب گوناگون آنها از تجربیات افراد امروزی است.^۱

بنا بر ادعای سوث گیت، یکی از کارکرد های اصلی تاریخ، "توانایی آن است که ما را به احساس خوب دراندازد- مفهوم حوادث را معنادار کند، و تاثیر معنا و قصد را به کناری نهد." ما به گذشته می نگریم، همان گونه که رویه ای برای درک زمان حال است و ما که هستیم. در فرهنگ کنونی ما، سوث گیت اظهار می دارد، حس رایج ناخرسندی به یک نیاز، جهت بررسی گذشته ما "به جستجوی ریشه" احاله داده می شود.^۳

سرشت گذشته نگر رمان تاریخی آن است که پلی در دو دوره ی مجزای زمانی می زند، و مشکل در آرشیوهای مراجعه ای است، که آن را از رمان های معاصر نوشته شده از تخیل، تجربه و یا حافظه شخصی جدا کرده است.

در دیدگاه منتقدان اتفاق نظر است که خالی از وثاقت نیست، داستان تاریخی نیز باید بر اساس تحقیقات موثق و شرح دقیق آن دوره فراهم آید، و در محدوده سابقه تاریخی معین باشد. گزارش هایی که درگیر محتوا / متن تاریخی مشخص نمی باشند، رمان های تاریخی نیستند. رمان تاریخی با تنش بین واقعیت و خلق آگاهی تاریخی داستان نا متجانس است در خواننده ای که به طور فعال تماماً با تم ناآشنا، ایده ها و فضای وقوع داستان در یک فرایند مستمر درگیر است. داستان تاریخی در مورد افراد و مکان های گذشته، زندگانی، کشمکش ها و آداب و رسوم آنها را به ما آموزش می دهد. آن چه که ما بواسطه مطالعه در باره گذشته می آموزیم می تواند به ارزیابی مجدد ارزش های فعلی و جایگاه ما در جامعه منجر شود؛ چرا که آنها در پرتوی بافت اجتماعی مختلف شکل می گیرند. در این وضعیت، مفهوم صحت اصالت، انتقادی است به رویه رمان تاریخی که قابل درک است و جزئیات بیشتری را باید دنبال کرد.

صحت اعتبار^۴

گذشته از پیگیری خصلت های مشترک کلی بر حسب فرصت های تاریخی، جنبه کلیدی رویه منتقدان به

^۱ - Historical Fiction 5

^۲ - 153-154

^۳ - 180

^۴ - Authenticity

رمان تاریخی دست یاب شده است که مفهوم اصالت آن می باشد. میزان صحت یک رمان تاریخی، بنا بر ادعای جوآن براون^۱ میزان توجه نویسنده به جزئیات دقیقی است، که شامل فضای وقوع داستان، شخصیت ها، رویدادها، آداب و رسوم، فرهنگ، سیاست، خوراک و گفتار است. از این منظر، یک مجموعه اثر در گذشته لزوماً رمان تاریخی نیست. با معتبر بودن آن، رمان تاریخی باید هم در باره یک دوره تاریخی و هم درباره خاستگاه بافت خاص آن دوره بوده باشد. لوکاج بحث می کند که رمان های پیش از اوایل قرن نوزدهم به درمان تاریخ به مثابه "صرف سنتی" توجه نشان دادند چرا که آنها فاقد "خاص تاریخی، یعنی، ریشه فردی شخصیت از ویژگی های تاریخی عصر خود" بودند.^۲

بسیاری از نویسندگان احساس مسئولیت نسبت به خواننده می کنند زیرا اصالت تاریخی مُدرک اثر، رویه خوانندگان را تحت تاثیر تفسیر متن قرار داده و در نتیجه، نظری را در باره گذشته شکل داده است. مردم، رمان تاریخی را برای آگاهی به مثابه داستان می خوانند و خواهان به تعلیق درآوردن ناباوری خود به تاریخ ورود پیدا می کنند که شاید رخ داده باشد، یا رخ نداده باشد، اما آنها انتظار دارند که به لحاظ تاریخی، دقیق یا "وفادار به گذشته" باشد.^۳ رین بولت، در یک مقاله در باب رمان،^۴ بحث می کند که عدم اطمینان، بخشی از داستان است و آن که خواننده این را می داند. نویسنده از خواننده می پرسد که فرض کنیم که گزارش ممکن است درست باشد و از آنجا شروع شود. برودین^۵ ادعا می کند که وقتی خواننده ممکن است داستان را به یاد نیورد، او ممکن است متقاعد شود از دقت جزئیات دوره ای که به نویسنده «قدرت سترگ و مسئولیت متناسب با آن قدرت» را می بخشد.^۶ گزارش های داستانی به مثابه ی تاریخ سراپا ملبس به پوشش است که می تواند منجر به دیدگاهی تحریف آمیز از گذشته شود،^۷ لذا اگر رمان تاریخی می باید به حفظ ارزش خود وفادار بوده باشد، به ناچار دقت، یک کانون نخستین است. به گفته براون، "هیچ حاشیه ای برای خطا و یا اشتباهات رویداد تاریخی نیست، که هر کدام می تواند سودمندی یا منافع رمان را کاهش دهد."^۸

Joanne Brown - ^۱

19 - ^۲

Davenport 300 - ^۳

Moses Rose (1996) - ^۴

Brodine - ^۵

207 - ^۶

208 - ^۷

نویسندگان نگرش خود را نسبت به صحت سند با کمک از تکنیک های زیبایی شناسی آشکار می کنند؛ آنان خلق تنش بین تاریخ و داستان گویی را مورد استفاده قرار می دهند. به جای پای بندی به یک دیدگاه دانای کل، بسیاری از نویسندگان معاصر اثر خود را در قالب خاطرات، خاطرات روزانه، شرح حال و یا بررسی های تاریخی ارائه می دهند. این فرم زندگی نوشته ها به مثابه ی غیر داستانی طبقه بندی می شوند اما در این نمونه، داستانی هستند. آثار داستانی اند که در ذهن خواننده شک ایجاد می کند در رابطه با چیزی که واقعیت است و یا واقعیت نیست.^۲ دی گروت ادعا می کند که با استفاده از این تکنیک ها نویسندگان " مشروعیت روایت را بحث می کنند و اقتدار را تضعیف می کنند."^۳

تاریخ تخیلی^۴

در نظر مارک مک کِنا، نقش مورخ متفاوت از آن است که رمان نویس در آن که مورخ باید به شرح گزارش، بررسی و دفاع از اعتبار تاریخی از آن چه او گفته است، بپردازد. مورخ، هم چنان که کِلن دِنن نوشته است، "وارد یک رابطه اخلاقی با افراد محصور در اسناد می شود". مک کِنا معتقد است که رمان نویسان نیازی به توجیه خود و یا به صورت دقیق تر، تجسم گذشته را ندارند، همان گونه که مورخ در انجام کار [آن] است. او ادعا می کند که "حقیقت داستان، حقیقت وضعیت بشر است،" از آن جایی که "حقیقت تاریخ، فرصت درک تجربه انسانی است به همان سان که هرگز نمی تواند فراموش بشود، از بالا و از دور، نگاهی به گذشته، درک شرایط انسانی چون که ما آنجا نیستیم، زیرا که ما در احاطه مه یا اندیشه ی آنی تجربه نیستیم."^۵ در نظر مک کِنا، "تفاوت مهم" بین این دو رویکرد به گذشته آن است که "تاریخ متکی بر فاصله است" نظر به این که داستان در صدد متقاعد کردن خواننده است که او را به زمان عقب ببرد و به طور مستقیم تجربه وقایع توصیف شود.^۶

با انحطاط تاریخ علمی، مک کِنا بحث می کند، رمان نویسان نقش مورخ را پیدا کرده اند و داستان به مثابه

^۱ - as we saw with Golden

^۲ - de Piérola 158; de Groot, *Historical Novel* 108

^۳ - 108

^۴ - Fictive history

^۵ - 108

^۶ - همان منبع

تاریخ خوانده شد. (۹۸) در هم دلی با مک کنا، نویسنده، مورخ و مردم شناس اینگا کِلین دِن ادعا می کند که "رمان نویسان به بهترین وجه سعی خود را کرده اند تا مورخان را در مسیر ناکام بگذارند." مک کنا نویسنده‌گانی چون سِبالد^۱ و دیوید مالوف^۲ را در حمایت از "اسطوره هسته‌ی داستان تاریخی، باوری که وجود دارد چیزی است که باعث درک تاریخی امکان پذیر می گردد"، متهم می کند. مالوف ادعا می کند، در گفتگو با هلن دانیل^۳ در سال ۱۹۹۶، که تنها راه ما از فهم تاریخ - و از تاریخ واقعاً منظورم آن چیزی است برای ما اتفاق افتاده است، و آن چیزی است که تعیین می کند ما در حال حاضر در چه وضعیتی هستیم و در کجاییم - تنها راه واقعی کنار آمدن با ورود خود افراد در تخیل است، نه با جهان واقع، بلکه با آنجا بودگی است. و تنها چیزی که واقعا شما را در آنجا قرار می دهد به نوعی رویه داستان است. شعر ممکن است چنین کاری را بکند، درام ممکن است چنین کاری را بکند، ولی اساساً قرار است داستان باشد. این زمانی است که شما در واقع آنجا بوده باشید و باز در آن جهان یک شخصیت شوید^۴.

به عبارت دیگر، تنها راه ما واقعا می تواند درک گذشته باشد از طریق تخیل در قالب داستان امکان پذیر است، نه واقعیت. از این نقطه نظر، رمان تاریخی نقش مهمی را در فرهنگ ما بازی می کند زیرا ناگزیر به افراد امکان می دهد تا با گذشته تعامل برقرار کند، نوشتار واقعی غالباً در تلاش انجام چیزی است^۵، جز آن که شاید در تاریخ فرهنگ پاپ شارحانی مانند پیتر فیتزسیمون^۶ روزنامه نگار [بوده باشد]. مک کنا تصدیق می کند که تاریخ زمان حال در داستان است و آن که تاریخ می تواند شامل داستان شود، اما آنها نباید اشتباه گرفته شوند.

آشکار است که مشکلات بین تاریخ و داستان مدت زمانی ادامه خواهد داشت و در عین حال، برخی مورخان سنتی بر آنند که با اصول پیشینیان قرن نوزدهمی خود با دفاع از تاریخ و با حمایت از داستان بشدت حفظ وفاداری کنند. در حالی که تاریخ و داستان تاریخی یک هدف مشترک را در ارائه گذشته

^۱ - 16

^۲ - W.G. Sebald

^۳ - David Malouf

^۴ - Helen Daniel

^۵ - "Interview" 99

^۶ - Rosenstone 17

^۷ - Peter FitzSimons

دارند، رمان با آن چه که "واقعی" است در تعامل می باشد و می تواند گذشته را در یک رویه قابل قبول تر از تاریخ بازگو کند، با چیزی که "حقیقی" است در تعامل است.

خلق شخصیت های قابل قبول

در هر رمان موفق، شخصیت ها باید باورآمیز مردم باشد که خواننده بتواند همدردی کند. طبق گفته لیندا ادلستین^۱، شخصیت ها می باید "پایدار، جایز الخطا، و قادر به رشد و تغییر،" و واقع بینانه باشند، آنها باید "دارای انسجام و قوام باشند."^۲ به عبارت دیگر، شخصیت ها باید به طریقی رفتار کنند که شاکله درونی خود را بر اساس نظمی منعکس کنند و إلا خوانندگان با آنها درگیر نمی شوند. همانطور که قبلا دریافتیم، رمان تاریخی متفاوت از دیگر داستان هاست زیرا مشکل در بازیابی اطلاعات در باب گذشته است. هم چنان که ساریکس اشاره می کند، «شخصیت های تاریخی نیاز به عمل روشی دارند که سازگار با حقایق مشخص است، و شخصیت های داستانی باید عمل باورمند رایج در زمان و مکان باشد.»^۳ راه و روش گفتگو و رفتار شخصیت ها باید در راستای دوره ای باشد که در آن مقیم اند. علاوه بر این، جهت دست یابی به اصالت نویسندگان می باید وفادار به شخصیت ها باشند آنها را باز آفرینی کنند زیرا "اگر شما شخصیتی را باور نمی کنید، هیچ شانسی برای آن که شما هم بتوانید خوانندگان خود را متقاعد کنید، نیست."^۴

^۱ - Linda Edelstein

^۲ - 15

^۳ - 10

^۴ - 84

^۵ - Card

Boccardi, M. *The Contemporary British Historical Novel:*

Representation, Nation, Empire. New York: Palgrave Macmillan,

2009.

Brien, Donna Lee. "Creative Practice as Research: A Creative Writing Case

Study." *Media International Australia, Incorporating Culture & Policy*

118. Feb. (2006): 53-59. *Informit*. 9 November 2012

<search.informit.com.au>.

---. "Imagining Mary Dean: Representing Another's Life in Text." *M/C Journal*

7.1 (2004). U of Qld. 1 October 2010 <journal.media-

culture.org.au/0401/07-brien.php>.

Brodine, Virginia Warner. "The Novelist as Historian." *The History Teacher*

21.2 (1988): 207-13.

Brown, Joanne. "Historical Fiction or Fictionalized History? Problems for

Writers of Historical Novels for Young Adults." *The ALAN Review* 26.1

(1998). 10 June 2010

<<http://scholar.lib.vt.edu/ejournals/ALAN/fall98/brown.html>>.

Buckridge, Patrick. "Roles for Writers: Brisbane and Literature, 1859-

1975."

By the Book: A Literary History of Queensland. Ed. Buckridge, Patrick

and Belinda McKay. St Lucia, Qld: U of Queensland P, 2007.

Card, Orson Scott. *Characters and Viewpoint*. 1st ed. Cincinnati, Ohio: Writer's

Digest Books, 1988.

Davenport, Gary. "True Merchants of the Untrue." *Sewanee Review*. 1993. 300.

Vol. 101. *Academic Search Elite*. 6 April 2010 <ebshost.com>. de

Groot, J. "Beyond the Bodice-Ripper." *History Today* 59.10 (2009):

57.

Academic Search Elite. 6 April 2010 <web.ebscohost.com>.

---. *The Historical Novel*. Hoboken: Taylor & Francis, 2009.

de Piérola, José. "At the Edge of History: Notes for a Theory for the

Historical Novel in Latin America." *Romance Studies* 26.2 (2008): 151-

62. *Academic Search Elite*. 2 March 2010 <web.ebscohost.com>.

Demos, John. "Afterword: Notes from, and About, the History/Fiction

Borderland." *Rethinking History* 9.2/3 (2005): 329-35. *Academic Search*

Elite. 10 June 2011 <web.ebscohost.com>.

den Heyer, Kent, and Alexandra Fidyk. "Configuring Historical Facts

through Historical Fiction: Agency, Art-in-Fact, and Imagination as

Stepping Stones between Then and Now." *Educational Theory* 57.2

(2007): 141-

57. *ProQuest Research Library*. 4 April 2010 <search.proquest.com>.

Dornan,

Edelstein, Linda. *Writer's Guide to Character Traits: Includes Profiles*

of Human Behaviors and Personality Types. 2nd ed. Cincinnati, Ohio:

Writer's Digest Books, 2006.

Radio and I Saw It on the Television – ": An Essay for the Australian Film Commission on the Politics and Aesthetics of Filmmaking by and About Aboriginal People and Things. North Sydney: The Commission, 1993.

Lukács, Georg. *The Historical Novel.* Lincoln: U of Nebraska P, 1983.

Malouf, David. "A Writing Life: The 2000 Neustadt Lecture." *World Literature Today* 74.4 (2000): 701-5. *ProQuest Research Library.* 11 June 2103 <search.proquest.com>.

---. "Interview with Helen Daniel." *Australian Humanities Review.* September (1996). La Trobe U. 1 July 2010 <australianhumanitiesreview.org>.

---. *Johnno.* St. Lucia, Qld: U of Queensland P, 1975.

---. *12 Edmondstone Street.* Collected ed. London: Chatto & Windus, 1993. Manne, Robert. "The History Wars." *The Monthly* 51 (2009). 4 December 2013

<<http://www.themonthly.com.au>>.

McGahan, Andrew. 1988. St. Leonards, N.S.W.: Allen & Unwin,

1995. McKenna, Mark. "Writing the Past." *The Best Australian Essays* 2006. Ed.

Penton, Brian. *Landtakers: The Story of an Epoch.* (1934). *Project Gutenberg Australia.* July 2004. 13 June 2013

<gutenberg.net.au/ebooks02/0200851h.html>.

Rainbolt, William. "He Disagreed with the History, but He Liked the Story."

Writing Historical Fiction: A Virtual Conference Session (1998). 14 July 2010 <albany.edu/history/hist_fict/Rainbolt/Rainboltcv.htm>.

Robins, Allan. "Representing Indigeneity: A Reflection on Motivation and Issues." *TEXT: Journal of Writing and Writing Courses*. 12.1. April(2008). 17 August 2010 <textjournal.com.au >.

Rosenstone, Robert A. "Space for the Bird to Fly." *Manifestos for History*. Ed. Keith Jenkins, Sue Morgan and Alun Munslow. Abingdon, Oxon; N.Y.: Routledge, 2007. 11-18.

Ryle, Martin. "The Historical Novel?: Novel, History and the 'End of History'." *Genre Matters: Essays in Theory and Criticism*. Ed. Garwin Dowd, Lesley Stevenson and Jeremy Strong, 2006.

Slotkin, Richard. "Fiction for the Purposes of History." *Rethinking History* 9.2/3 (2005): 221-36. *Academic Search Elite*. 1 October 2010 <web.ebscohost.com>.

Thom, James Alexander. *The Art and Craft of Writing Historical Fiction: Researching and Writing Historical Fiction*. F+W Media, 2010. ePUB file.

White, Hayden. "Introduction: Historical Fiction, Fictional History, and Historical Reality." *Rethinking History* 9.2/3 (2005): 147-57. *Academic Search Elite*. 16 March 2010 <web.ebscohost.com>.

